

به نام خدا

## تحلیل سیاسی هفته (۳۶) قرآن سوزی در افغانستان؛ تداوم سیاست اسلام‌ستیزی آمریکا

در چند روز گذشته افغانستان شاهد یکی از مهمترین تحولات خود در سال‌های اخیر بوده است. اعتراضات شدید و گسترده مردمی در نقاط مختلف این کشور نسبت به اقدام موهن و اهانت‌آمیز نظامیان آمریکایی به مقدسات اسلامی بار دیگر افغانستان را در صدر اخبار جهانی قرار داده است. تظاهرات مردم افغانستان در پی سوزاندن قرآن کریم از سوی نظامیان آمریکایی در پایگاه هوایی بگرام آغاز شد و به سرعت گسترش پیدا کرد. لازم به ذکر است که بگرام بزرگ‌ترین پایگاه نیروهای آمریکایی است که در ۶۰ کیلومتری شمال شرقی کابل پایتخت افغانستان قرار دارد و مقامات سیاسی و نظامی آمریکا در بدو ورود به این کشور وارد این پایگاه می‌شوند.

تظاهرات مردم افغانستان تاکنون بیش از یکصد کشته و صدها مجروح بر جای گذاشته است که خود نشان‌دهنده خشم عمیق افغان‌ها از اقدام موهن آمریکایی‌هاست. این خشم که با اقدامات سطحی چون عذرخواهی رئیس‌جمهور و وزیر خارجه آمریکا کاهش پیدا نکرده بار دیگر مبین تقابل شدید افکار عمومی افغانستان با حضور نظامیان خارجی و اعمال و اقدامات آنها در کشورشان است.

به‌طور کلی درخصوص این اقدام اهانت‌آمیز و واکنش‌ها به آن در داخل افغانستان نکاتی چند به‌شرح ذیل حائز اهمیت و قابل توجه است:

۱. مقامات آمریکایی از جمله رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، وزیر دفاع و فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان از طریق ابراز تأسف، عذرخواهی و محکومیت اهانت اخیر به ساحت قرآن کریم قصد داشتند این‌گونه وانمود کنند که اقدام به آتش زدن قرآن کریم، سهوی بوده و عمدی در کار نبوده است. این موضوع از دو زاویه قابل توجه است. حتی اگر این اقدام موهن، سازمان‌یافته و عمدی نبوده باشد، عدم برخورد قاطع با مرتکبین آن هیچ‌گونه توجیهی ندارد. این در حالی است که هیچ عزم جدی برای برخورد با عاملین این اقدامات از طرف آمریکا دیده نمی‌شود. از سوی دیگر سابقه‌دار بودن این اقدامات موهن از سوی آمریکایی‌ها ادعای غیرعمدی بودن آنها را بی‌اعتبار می‌سازد. در سال ۲۰۰۵ نیوزویک از اهانت به قرآن توسط یک بازجوی آمریکایی در گوانتانامو خبر داده بود. این اقدام اعتراض مسلمانان جهان را در پی داشت و به کشته شدن حداقل ۱۶ نفر منجر شد. سال گذشته نیز یک کشیش آمریکایی اعلام کرده بود که در سالگرد حادثه یازدهم سپتامبر اقدام به قرآن‌سوزی خواهد کرد. تکرار این قبیل اقدامات نشان می‌دهد که سیاست اهانت به مقدسات اسلامی به‌ویژه قرآن کریم به یک رویه عادی نزد آمریکایی‌ها تبدیل شده است.

۲. مجموعه اقدامات موهن علیه مقدسات اسلامی که طی سال‌های اخیر توسط غربی‌ها صورت گرفته به‌وضوح نشان می‌دهد که غرب برنامه مشخصی برای مقابله با مسلمانان دارد. این برنامه از تشدید سیاست‌های تخصمی کشورهای غربی با جهان اسلام خبر می‌دهد به نحوی که در یک روند رادیکال، ماهیت این سیاست‌ها را از «اسلام‌هراسی» به «اسلام‌ستیزی» تغییر داده است. اهانت به مقدسات اسلامی در قالب اقدامات موهنی چون آنچه که چند سال پیش توسط کاریکاتورریست دانمارکی

اتفاق افتاد و یا اقدام به آتش زدن قرآن توسط آمریکایی‌ها در داخل این کشور و در افغانستان، همگی از اسلام‌ستیزی فزاینده سیاست‌های غرب حکایت دارد. از این رو است که برخی کارشناسان از احیای تفکر جنگ‌های صلیبی در غرب در برخورد با جهان اسلام سخن می‌گویند.

۳. بی‌احترامی به مقدسات و اعتقادات انسان‌ها یک جنبه مهم از نقض آشکار حقوق بشر است و از این رو اهانت به مقدسات میلیاردها مسلمان آشکارا در تعارض با اصول و بنیان‌های حقوق بشر قرار دارد. ارتکاب به چنین اعمالی خود از مخدوش بودن ادعاهای کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا در زمینه حمایت از حقوق بشر و ترویج آن حکایت دارد.

۴. اتفاقات و حوادث چند روز اخیر در افغانستان که به کشته شدن بیش از یکصد نفر از مردم معترض به اقدام موهن آمریکایی‌ها منجر شد بار دیگر ثابت کرد که حضور نیروهای بیگانه در خاک افغانستان که معمولاً ذیل عنوان برقراری امنیت و ثبات توجیه می‌شود خود مهمترین عامل بی‌ثباتی و گسترش اعتراض‌ها در افغانستان است. از این رو تا زمان تداوم حضور اشغالگران در خاک افغانستان نمی‌توان چشم‌انداز روشنی از برقراری ثبات و امنیت در این کشور ترسیم کرد.

۵. برخی کارشناسان معتقدند که اقدامات موهن آمریکایی‌ها بر ضد اعتقادات مسلمانان زمینه را برای سوءاستفاده جریان‌های سلفی و نیز رهبران گروه طالبان فراهم می‌کند تا با بهره‌گیری از فضای پیش‌آمده به تقویت نفوذ و گفتمان خود در افغانستان بپردازند. آنها از یک طرف با سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم خصوصاً جوانان و جذب آنها در شاخه‌های سیاسی و نظامی خویش از فضا بهره‌برداری می‌کنند و از طرف دیگر از طریق دامن زدن به مخالفت‌ها با دولت کرزای از طریق معرفی آن به‌عنوان شریک نیروهای اشغالگر، موقعیت حکومت مرکزی را تضعیف می‌کنند. از این جهت نیز، اقدام موهن آمریکایی‌ها در راستای تقویت جریان‌های افراطی در افغانستان و تضعیف دولت مرکزی این کشور قلمداد می‌شود.

۶. حدود یک ماه پیش، حامد کرزای با سفر به اروپا با کشورهای چوچ فرانسه، ایتالیا و انگلیس موافقتنامه‌های استراتژیک امضا کرد. در حالی که این امیدواری وجود داشت که با آغاز فرآیند خروج نیروهای اشغالگر از افغانستان، زمینه دخالت و حضور غربی‌ها در امور داخلی این کشور کاهش یابد، انعقاد این موافقتنامه‌ها با کشورهای غربی نگرانی‌ها در این زمینه را بار دیگر افزایش داده است. نگاه مردم افغانستان نسبت به همکاری‌های نزدیک و گسترده با کشورهای غربی نگاه مثبتی نیست. نگرش منفی در این زمینه از عوامل مختلفی نشئت می‌گیرد که یکی از مهمترین آنها بی‌اعتنایی و بی‌احترامی غربی‌ها به اعتقادات مردم مسلمان این کشور است. حادثه اخیر در پایگاه بگرام و توهین نظامیان آمریکایی به قرآن کریم با ابراز انزجار عمومی افغان‌ها نسبت به آمریکا و غرب مواجه شد. این گرایش عمومی قطعاً در تضاد با سیاست نزدیکی استراتژیک به کشورهای غربی است. دولت حامد کرزای برای تثبیت موقعیت خویش و تقویت اقتدار حکومت مرکزی در اوضاع ناپایدار افغانستان ناگزیر از توجه به خواست ملی افغان‌ها در تنظیم اولویت‌های سیاست خارجی خویش است. عدم توجه به این اصل بیش از هر چیز می‌تواند رویکرد افغان‌ها نسبت به تداوم حمایت از این دولت را تغییر داده و چالش‌های بیشتری را متوجه دولت کرزای نماید.